

□ روند سیاست

خارجی شوروی

و آینده آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ ن - صاحب

مرگ برژنف در صحنه سیاسی جهان واکنش و افعال مختلفی را نسبت

به شوروی پدید آورده است که هنوز هم روند عادی نیافته است. بدنبال مرگ برژنف دولتهای اروپائی، آمریکا و چین واکنشهای متفاوت نشان دادند که در مجموع میل نزدیکی بشوروی را میتوان در آنها احساس کرد و شاید هم بروز این گونه عکس العمل از طرف کشورهای مذکور بعلت شناخت تجربی بوده باشد که این دولتها نسبت به اتحاد شوروی و نظام حاکمه آن داشته‌اند، چرا که بنابراین گواهی تاریخ اتحاد شوروی رهبران شوروی در چگونگی سیاست خارجی این کشور نقش تعیین کننده‌ای داشته‌اند بدین جهت با بروز تغییر و تحول در کادر رهبری این کشور سیاست خارجی این کشور بطور قابل توجهی دچار دگرگونی گردیده است.

باین ترتیب به نظر میرسد که سیاست خارجی اتحاد شوروی در زمان رهبری آندره پوف دچار تغییرات قابل توجهی گردد. هر چند که وی اعلام داشته است که مشی سیاست خارجی و داخلی برژنف را دنبال خواهد کرد و هیچگونه تغییری در سیاست‌های نظامی خارجی و داخلی اتحاد شوروی داده نخواهد شد. با این حال وی از همان آغاز سیاست خارجی شوروی را سیر در جهت «تشنج زدائی» عنوان میکند و در اولین نطق خود برای دستگاه رهبری حزب کمونیست شوروی، اعلام میدارد که آینده متعلق به تشنج زدائی

است.

از طرف دیگر باز میبینیم که یک مقام شوروی در مصاحبه با مجله نیوز ویک اعلام میدارد که: «کشورش تنها مایل است در چهارچوب قرارداد سالت ۲ ظرفیت زرادخانه استراتژیک خود را ۱۰٪ کاهش دهد، بلکه اگر آمریکا در این امر همراهی نماید شوروی آماده است که بمیزان ۲۵٪ را هم مورد بررسی قرار دهد».

هر چند که سخنان پوف از نظر هماهنگی ادامه صحبت‌های برژنف و در ظاهر استمرار سیاست خارجی وی است اما واکنشهای دول غربی در پی به قدرت رسیدن آندره پوف نشانگر دوگانگی و غیرت سیاست خارجی برژنف و پوف است. چرا که میبینیم که در قدرت عمده جهان، یعنی چین کمونیست و آمریکا که از اختلافات دیرینه‌ای در سیاست خارجی خود با شوروی برخوردارند از بقدرت رسیدن پوف استقبال گرمی بعمل می‌آورند. در این رابطه در جراید خواندیم که آمریکا بلافاصله پس از انتشار خبر مرگ برژنف اعلام میدارد که تحریم تجهیزات برای لوله گاز اروپا - سبیری را لغو کرده است و همچنین آمریکا با سایر کشورهای غربی بر سر بازرگانی شرق و غرب (بناگهان) بتوافق رسیده است و یا وزیر خارجه موقت چین هوانگ هوا رهبری جدید را به تلاش جهت بهبود روابط چین و

شوروی دعوت میکنند، اما در کنار این موارد که نشانگر متفاوت بودن سیاست خارجی شوروی در عصر برژنف و آندره پوف میباشد، این تفاوت را در موضع گیری خارجی شوروی در مورد مسائل زیر، در آینده میتوان مشاهده کرد.

۱- خاورمیانه

۲- اروپای شرقی

۳- محدودیت تسلیحات نظامی و سلاحهای استراتژیک

۴- روابط چین و شوروی و چگونگی روند اختلافات آنان.

● خاورمیانه

● - افغانستان:

از جمله مسائل با اهمیتی که در سیاست خارجی شوروی باید مورد توجه و بررسی دقیق قرار گیرد مسئله افغانستان است. این کشور در سال ۱۹۷۹ افغانستان را با به روی کار آوردن احزاب چپ طرفدار مسکو، تحت اشغال خود در آورد.

مسکو فکر میکرد که زمینه جهت تغییر موازنه قوا به نفع شوروی فراهم شده است. اما این اشغال نظامی موجبات دخالت هر چه بیشتر آمریکا و اروپا و فعال شدن چین در منطقه گردید. بطوروی که افغانستان تا کنون در دست این دو قدرت سوژه تبلیغاتی ضد شوروی بوده است. اما با بروی کار آمدن آندره پوف در حقیقت اتحاد شوروی در صدد جبران شکست سیاست خارجی خود در مورد افغانستان برآمده است.^۲ شدت گرفتن تبلیغات ضد روسی با سوژه اشغال افغانستان و بین المللی کردن مسئله افغانستان با دخالت سازمان ملل متحد^۸ و تأثیر آن بر عدم اتخاذ موضع واحد تا کتیکی در مقابل انقلاب اسلامی روبرو به گسترش ایران ایجاب میکند که هر چه زودتر مسئله افغانستان حل شده و از طرفی هم بیرون رفتن شوروی از افغانستان از نظر ایدئولوژیک - سیاسی تناقضی است که بهیچ عنوان بنابر فلسفه مارکسیسم قابل توجیه نیست بنابراین اقتضاء اوضاع مسئله این است که مسئله افغانستان بطریق سیاسی حل شود چرا که شوروی نمیتواند در درازمدت در افغانستان باقی بماند زیرا نه از نظر مسائل بدون نظمی و نه از نظر مسائل بین المللی بصلاح و مصلحت وی نیست بهمین جهت هم اقتضای سیاست خارجی شوروی این است که قبل از آنکه که از نظر روش نظامی برای حل مسئله افغانستان دچار بن بست شود از نظر سیاسی آن را حل نموده و برطرف نماید.

● - اشغال لبنان:

حمله صهیونیستها به لبنان و موضع گیری منفی حکومت شوروی در زمان برژنف موجبات عدم اعتماد به شوروی در میان جناحهای دارای گرایش به شوروی شد، و در مجموع این موضع گیری شوروی در قبالی جریانات لبنان یکی از نکات تاریک سیاست خاورمیانه ای شوروی بود. هر چند که این سکوت ناشی از توافقیهای پنهان برای قدرت

بوده، اما بهرحال ادامه این سیاست در حقیقت نوعی امتیاز دادن به رقبای بود در منطقه و میتوانست امکانات تبلیغاتی بیشتری در اختیار آنها قرار دهند.

به این علل تغییر سیاست خاورمیانه‌ای شوروی که بعدی از سیاست خارجی آن کشور بحساب می‌آید بعد از تغییر رهبری امری پیش‌بینی شده بحساب می‌آید. و انتظار اتخاذ سیاست جدیدی در رابطه با خاورمیانه میرفت.

این تغییرات از طرف آندره پوف به این صورت اعلام شد که بهنگام دیدار وی با هیئت هفت نفره جامعه عرب که به مسکو سفر کرده بودند، آندره پوف ضمن تشریح موضع شوروی در قبال مسائل خاورمیانه گفت: شوروی همیشه حامی آرمان برحق مردم عرب، و مبارزات آنان علیه تجاوزات اسرائیل برای کسب آزادی و استقلال و صلح در خاورمیانه بود است^{۱۰} وی در قسمتی دیگر از سخنان خود ضمن محکوم کردن غیرمستقیم سیاست پیشین شوروی در باره خاورمیانه می‌گوید: ما به این دیدار بعنوان یک گام دیگر در توسعه روابط خوب و مفید شوروی و اعراب مینگریم روابطی که رو به‌رو شده خوب بوده است اما شاید بتوان «بهبتر و مفیدتر»^{۱۱} برای استقلال و آزادی مردم و تقویت صلح در خاورمیانه و تمام جهان بشود^{۱۲}.

بهر تقدیر وی حرکت‌های آمریکا و اسرائیل را در منطقه بنفع شوروی نمی‌بیند و به این مسئله اذعان دارد که این حرکت‌ها از نهایت توانسته بنفع آمریکا و اسرائیل باشد و شوروی را در منطقه به انزوا بکشاند و به قدرت رسیدن او در حقیقت چیزی نبوده مگر جبران این عقب‌نشینی شوروی در خاورمیانه.

* اروپای شرقی

● لهستان: سیاست خارجی شوروی در قبال اروپای شرقی و خصوصاً لهستان میبایست مورد دقت و برنامه‌ریزی دقیق‌تری قرار گیرد. میتوان گفت که اگر سیاست جدید شوروی در ادامه همان سیاست‌های قبل باشد زمینه برای دخالت فعالتر غرب آماده‌تر و فراهم‌تر خواهد بود.

معضل لهستان در اروپای شرقی توجه خاصی را اقتضا میکند. دخالت‌های غرب و قدرتهای اروپائی به رهبری آمریکا بتجربه ثابت کرد که سوسیالیسم در این منطقه از همه جای دیگر ضربه پذیرتر است. زیرا عوامل فعال و موثر بر مردم در این منطقه بسیار است از طرف دیگر وابستگی اقتصادی این کشور به بلوک غرب سیاست‌های غرب را در مقابله با شوروی در این منطقه بسیار تقویت کرده است هر چند که بعد از حکومت نظامی احتمالات فراوانی در رابطه با لهستان قابل فرض است^{۱۳} حکومت نظامی در لهستان نیز امری پایدار نمی‌توانست باشد زیرا چنین حکومتی نشانگر این است که نوعی تضاد حل‌نشده میان مردم و حکومتگران بروز کرده است و این موضوع بهیچ عنوان بصالح شوروی و حزب کمونیست لهستان نبود. به همین جهت بعد از ماه‌ها حکومت نظامی بنا به دستور شوروی

حکومت لهستان از خود نرمی نشان داده و حکومت نظامی را لغو^{۱۴} و لخ والسایکی از رهبران اتحادیه همبستگی را آزاد کرد اما همانگونه که گفته شد احتمال بروز بحرانهای دیگری از قبیل بحران سال ۱۹۸۰ تا ۸۲ می‌رود^{۱۵} اما بهر حال این واکنش از طرف حکومت جدید شوروی نشانگر تغییرات احتمالی و اعتدال سیاست شوروی است در قبال لهستان.

• آلبانی:

یکی از کشورهای کوچک کمونیست اروپای شرقی است، سیاست خارجی شوروی بتازگی تمایل خود را جهت نزدیکی مجدد به آلبانی ابراز نموده است. این تمایل در روند سیاست خارجی شوروی تازگی دارد و نمی‌تواند ادامه سیاست‌های برژنف باشد زیرا که در زمان وی به هیچ وجه چنین تمایل آشکاری ابراز نشده بود اما بعد از مرگ وی بروز و تغییرات در دولت و حزب حاکم، آلبانی، شوروی خواستار برقراری روابط خود با این کشور گشته بود^{۱۶}.

اما واکنشی که از جانب آلبانی در مورد رهبری جدید شوروی نشان داده شد این بود که آلبانی اتحاد شوروی را به ادامه سیاست اسلافش نیکلای خروشچف و لئونید برژنف و چانه زدن با امپریالیسم آمریکا بر سر سرنوشت ملتها متهم کرد.^{۱۷}

بهر تقدیر شوروی در قبال بلوک شرق و خصوصاً کشورهای اروپای شرقی بظاهر سیاستی را اتخاذ کرده است که روند آن شاید توجه به وحدت بخشیدن متمرکز به دول بلوک شرق و هم سان کردن سیاستهای خارجی آنها باشد تا شاید بتواند در سایه این وحدت مواضع بر تناقضات و مشکلات ما غلبه کرده و ظفر یابد.

• محدودیت تسلیحاتی و سلاحهای استراتژیک

مسئله تسلیحات اعم از استراتژیک و غیر آن نیز دیرزمانیست که مورد دعوی در طرف (غرب به رهبری آمریکا و شوروی) می‌باشد. اما آنچه در این میان مهم است توجه دو باره به این مسئله است. آنهم بعد از بروز تغییراتی^{۱۸} در کادر رهبری شوروی.

ابراز نظرهای درست شوروی بعد از احراز است دبیر اولی حزب و وسیله آندره پوف در قبال مسئله فوق مختلف بوده است اما آنچه مسلم است انفعالی بودن موضع درست شوروی است.

برای اولین بار بعد از قدرت رسیدن پوف تاس خبرگزاری شوروی در رابطه با سفر کوهل به آمریکا نوشت که اگر ریگان و هلموت کوهل از توقف تجهیزات هسته‌ای خودداری نوزند در واقع میتوان گفت آنان در پی تغییر توازن قدرت هستند^{۱۸}.

آمریکا نیز در این رابطه برخوردهای مشخصی داشته است اما در موضع گیری شوروی در قبال این مسئله نوعی احتیاط بچشم می‌خورد. شوروی بعلت مسائل خارجی خود از قبیل: «موازنه قوا»، «تأمین بودجه این موازنه» و «حفظ روابط کنترلی خود با اقصی نقاط

تحت نفوذ خود»، نیازمند به نوعی جلوگیری از گسترش و رشد تولید اینگونه سلاحها میباشد، اما رقیب مقابل یعنی آمریکا نیز با درک اهمیت مسئله در پی دست یابی به استراژی درازمدت خود که همانا سلطه بر جهان و انزوای کمونیسم، هم بعنوان یک سیاست و هم بعنوان یک ایدئولوژی است، دنبال میکند و در مورد فوق از موضع بالا برخورد میکند. بدین جهت شوروی در این رابطه رسیدن به توافق با آمریکا را در سیاست خارجی فعلی خود گنجانده است و این خط و مشی آینده شوروی در این زمینه خواهد بود.

• شوروی و چین

رابطه چین و شوروی نیز پس از مرگ برژنف و بقدرت رسیدن آندره پوف وارد دور جدیدی از روند خود شده است.

چین در دوران رهبری برژنف تمایل چندانی به حل اختلافات خود با خود روی نشان نمی داد. اما بلافاصله بعد از مرگ برژنف چنین تمایلی از طرف چین ابراز گردید و شوروی نیز بلافاصله در این مورد از خود واکنش مثبت نشان داد. بطوری که آندره پوف مدت ۳ دقیقه با هوانگ هوا وزیر خارجه چین، گفتگو و مذاکره میکند (البته مقایسه زمان فوق در رابطه با سایر دیدارکنندگان بسیار قابل توجه است).

ویکتور آفاناسی یف عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی و مدیر روزنامه پراودا نیز اعلام میدارد که احتمالاً به عنوان اولین گام در جهت عادی کردن روابط خود با چین بخشی از نیروهای خویش را از مرزهای کشور فرا خواهد خواند. موارد اختلاف شوروی و چین را میتوان در سه مورد زیر خلاصه کرد.

۱- حضور نیروهای شوروی در طول مرزهای مغولستان.

۲- حضور نیروهای صد هزار نفره شوروی در افغانستان که چین خواستار تخلیه آن شده است.

۳- تدارک تسلیحاتی نیروهای ویتنامی که جانبدار شوروی هستند در کامبوج (که چین خواستار عدم کمک نظامی شوروی به آنها میباشد).
اگر شوروی بخواهد روابط خود را با چین عادی کرده و گسترش دهد میبایست در موارد بالا امتیازاتی به چین داده و قسبه را طوری با امر حل کند. هر چند که گفتار ویکتور آفاناسی یف نشانگر تمایل شوروی به این سازش و رفع اختلافات میباشد اما در این موارد شوروی هنوز به اتخاذ تصمیمات قطعی نپرداخته است و شاید این عدم توجه کافی شوروی به این موضوع موجبات تغییر مواضع چین گردد.

از نظر نباید دور داشت که چین بتازگی عدم تخلیه افغانستان از طرف شوروی را عنوان نموده و آن را سوزه تبلیغاتی خود بر علیه شوروی کرده است (البته در سیاست خاورمیانه خود) و این نشانگر حل نشدن نهائی اختلافات آنهاست در منطقه خاورمیانه.

شاید چندان هم بی‌رابطه نباشد که چین در همین رابطه جهت بدست آوردن نفوذ بیشتر در منطقه تبلیغات ضد شوروی خود را که مدتی از داخله آن کاسته بود دوباره گسترش دهد. بهر تقدیر آنگونه که مینماید چین نقش تازه و تعیین کننده‌ای را در مسائل خاور دور بعهده دارد که شوروی در رابطه با منافع خود ضرورتاً میبایست به آنها توجه کند و از طرفی هم فعالیت دیپلماتیک و اقتصادی چین در خاورمیانه نشانگر آن است که این کشور خواستار دخالت بیشتری در خاورمیانه می‌باشد که در صورت حل نشدن اختلافاتش با شوروی میتواند خطری جدی بر آن بشمار رود. این ضروریات موجهاتی را در جهت تغییر سیاست خارجی شوروی، در قبال چین ایجاب میکند.

• نتیجه گیری

از مسائلی که در بالا عنوان شد میتوان نتایج زیر را بدست آورد.

- ۱- تغییرات در کادر رهبری شوروی تغییرات در سیاست خارجی را بدنبال دارد. آنگونه که تاکنون تاریخ سیاسی این کشور نشان داده است.
- ۲- این تغییر سیاست در مورد خاورمیانه، مسئله تسلیحات، اروپای شرقی و چین به چشم می‌خورد
- ۳- دولت شوروی با این تغییر در کادر رهبری در پی آن است که سیاست فعال تری را در رابطه با خاورمیانه بعنوان کانون عهده بهران دنبال کند.
- ۴- دولت شوروی در پی مسائل خاورمیانه احتمال قریب به یقین به توافقاتی با آمریکا و اروپا دست یافته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

توضیحات:

- ۱- برای مطالعه بیشتر این موضوع به کتاب استراتژی بین المللی جلال الدین فارسی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی چاپ ۱۳۶۱ از صفحه ۱۰ به بعد مراجعه کنید.
- ۲- کیهان ۶۱/۸/۲۰
- ۳ و ۴- کیهان سه شنبه ۶۱/۹/۲۰
- ۵ و ۶- پنجشنبه ۶۱/۸/۲۰
- ۷- باید توجه داشت که آندره پوف خود یکی از مخالفان اشغال افغانستان بوده است.
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۱۱/۶: خاور پرزولو کوه یارد دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرد وی در اسفند ماه بمنظور انجام اولین دور مذاکرات مستقیم با رهبران کرملین پیرامون بحران افغانستان به مسکو خواهد رفت.

۹- اگر مسائل ارو پای شرقی خصوصاً لهستان را به عنوان تنها عامل موثر این توافق ندانیم، اما در مجموع عمده‌ترین عامل این توافق بوده است که با صورت گرفتن آن آمریکا از دخالت موثر در لهستان خودداری کند و در عوض شوروی نیز در قبال مسئله جنگ لبنان سکوت اختیار کند و اگر دقت شود در هنگامه اشغال لبنان به وسیله بیوطنان صهیونیست جریانات لهستان فروکشی قابل توجهی کرد شوروی نیز در قبال جنگ لبنان تنها به حمایت سیاسی !!! از فلسطینیان پرداخت.

۱۰- روزنامه کیهان شنبه ۶۱/۹/۱۳.

۱۱- تکیه بر روی کلمات از ماست.

۱۲- روزنامه کیهان شنبه ۶۱/۹/۱۳.

۱۳- بنا به گزارش روزنامه سونکادا گلات: دولت لهستان قیمت ارزاق عمومی را ۱۵ درصد و اجاره‌خانه‌ها را ۱۰۰ درصد افزایش می‌دهد. و این خود میتواند منشاء بحرانی تازه گردد. همچنین به گزارش روزنامه راکنس نیرانتبهس از روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۱۰/۲۲ لهستان در آستانه بحران مجدد قرار دارد و کشاورزان این کشور از فروش محصولات خود به دولت امتناع کرده و میزان کشت خود را بر اساس ارقام رسمی تا ۱۲٪ و به قول منابع غربی ۲۰٪ کاهش داده‌اند.

۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۶۱/۱۰/۱۱: پلیس لهستان رسماً اعلام کرد حکومت نظامی در این کشور از روز پنجشنبه ۶۱/۱۰/۹ لغو شد و باین ترتیب حکومت به غیر نظامیان در لهستان واگذار خواهد شد.

۱۵- هر چند که بحران تا حدی فروکش کرده است اما احتمال وقوع و گسترش آن از نظر دولت لهستان منتفی نشده است و بدین خاطر دولت لهستان مبارزه پیگیر را جهت خنثی کردن فعالیتهای اتحادیه همبستگی - که عمده تشکیلات ضد دولتی است که پایگاهی قوی در میان مردم لهستان دارد ادامه می‌دهد. بنا بر خبر روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۶۱/۱۰/۱۶ سخنگوی دولت لهستان ضمن اظهار این نکته که سال جاری برای لهستان سال تثبیت اوضاع داخلی خواهد بود در یک کنفرانس مطبوعاتی خاطرنشان ساخت بیشترین توجه در سال جاری نسبت به رفع مشکلات اقتصادی و همچنین اجرای دگرگونیهای اقتصادی در کشور مبذول خواهد گردید. بنا بر اظهار وی امید لهستان برای عادی شدن تدریجی اوضاع کشور بر پایه خنثی کردن فعالیتهای زیرزمینی اتحادیه غیر قانونی شده همبستگی استوار است.

۱۶- در تاریخ سه شنبه ۶۱/۹/۲۳ روزنامه اینزوستا ارگان دولتی و پرآوا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی طی مقالاتی لزوم برقراری روابط مجدد بین شوروی و آلبانی را مورد تأکید قرار دادند.

۱۷- روزنامه جمهوری اسلامی ۶۱/۱۰/۶.

۱۸- روزنامه کیهان پنجشنبه ۶۱/۸/۲۷.

۱۹- هوانگ هوا دو روز بعد از این رویداد از طرف دولت چین برکنار شد و علت برکناری وی نیز بیماری او عنوان شد.

۲۰- روزنامه کیهان پنجشنبه ۶۱/۸/۲۷.